

گردستان و مسأله نابرابریهای آموزشی*

نویسنده:

دکتر جعفر اسماعیل سرخ

(مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، اورمیه)

معرفی مقاله:

فراهم کردن امکان مساوی برای دستیابی کلیه لازم‌التعلیمان جامعه به فرصتهای آموزشی مطلوب، از جهات عدیده بویژه از نظر انسانی، اجتماعی و همچنین روح فرهنگ غنی اسلام، حایز اهمیت است.

امروزه مردم حق برخورداری از آموزش و پرورش را به مفهوم برخورداری از آموزشی و پرورشی می‌دانند که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. آنها برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش را به این منزله نیز تلقی می‌کنند که هرکسی، از لحاظ پیشرفت آموزش، فرصت و امکان توفیق مساوی داشته باشد. وجود نابرابریهای آموزشی مقبول آزادگان، بویژه مسلمانان که بر اساس مبانی دینی خود از برادری و برابری معنوی و عقیدتی برخوردارند، نیست.

بدیهی است که لازمه ایجاد فرصتهای آموزشی مساوی برای همه لازم‌التعلیمان - اعم از دختر یا پسر، شهری یا روستایی - کاهش نابرابریهای آموزشی و توزیع عادلانه و مناسب فرصتها و امکانات آموزشی در بین آنان است. در این مقاله، مسأله نابرابریهای آموزشی در مورد لازم‌التعلیمان کلیه دوره‌های تحصیلی مناطق مختلف استان گردستان از سه دیدگاه مورد مطالعه قرار گرفته است:

*- این مقاله، در شورای هیأت تحریریه فصلنامه، «علمی - ترویجی» ارزیابی شده است. - دفتر فصلنامه.

- ۱- از نظر شانس ورود به نظام آموزشی نظیر نرخ ثبت نام و پوشش‌های تحصیلی؛
 - ۲- از نظر برخورداری از منابعی که در اختیار نظام آموزشی قرار می‌گیرد، نظیر نسبت دانش‌آموز به معلم متخصص (تراکم دانش‌آموزی)، نسبت دانش‌آموز به فضاهای آموزشی (تراکم کلاسی)، و ضریب بهره‌بری از فضاهای آموزشی؛
 - ۳- از نظر کارکرد یا بازده نظام آموزشی، نظیر نرخ ارتقا، نرخ گذر و افت تحصیلی.
- در این مطالعه، با مراجعه به آمار نامه‌های انتشار یافته اقدام به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز موضوع بررسی اقدام شده و نتایج اطلاعات به دست آمده، بر حسب شاخصهای آموزشی مورد نظر، طبقه‌بندی گردیده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. سپس میزان دستیابی لازم‌التعلیمان دوره‌های مختلف تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی) و آموزش عالی در نواحی چهارده گانه کردستان، به تفکیک جنس (دختر و پسر) و منطقه (شهری و روستایی)، بر اساس روشهایی نظیر شاخص انتخاب منطقه، ضریب ژینی، منحنی لورنز و جدول دو بعدی (چهارحالتی) مورد ارزیابی قرار گرفته و مناطق بر حسب میزان بهره‌مندیشان از فرصتهای آموزشی در سه حالت مُرفّه (برخوردار)، محروم (نا برخوردار) و متعادل، طبقه‌بندی گردیده‌اند.
- نتایج حاصل از موضوع مورد بررسی نشان می‌دهند که:
- حدود ۲۵ درصد دبیران دبیرستانی دارای مدرک زیرلیسانس هستند؛
 - تنها ۲۰ درصد اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کردستان دارای مدرک دکتری هستند و ۸۰ درصد بقیه رامریان دانشگاهی تشکیل می‌دهند؛
 - در هیچ یک از دوره‌های تحصیلی، فرصتهای آموزشی به صورت متعادل بین لازم‌التعلیمان دختر و پسر، شهری و روستایی توزیع نشده است؛
 - نرخ افت تحصیلی در دوره‌های مختلف تحصیلی زیاد است و منابع و امکانات آموزشی به هدر می‌روند؛
 - کمبود نیروی انسانی متخصص و متناسب بارشته‌تحصیلی و جنس دانش‌آموزان و نیز کمبود شدید فضاهای آموزشی، بویژه در مناطق محروم‌تر استان
 - ظرفیت دوره‌های تحصیلی و توزیع رشته‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان تناسبی با نیازهای منطقه کردستان به نیروی انسانی ندارد.
- نهایتاً، مناطق محرومی نظیر کردستان که محدودیت منابع محلی و امکانات زیربنایی

یا شرایط خاص سیاسی و فرهنگی، جایگاه دولت در تسهیل توسعه درون‌زا، و نیز فراهم ساختن نهادهای آموزشی مورد نیاز، مورد تأکید قرار گرفته‌اند و پیشنهاد شده است، که ساختار تشکیلاتی نظام اجرایی حاکم بر سازمانهای دولتی - بویژه نظام آموزشی - در منطقه از بستر تنظیم اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای عبور کند و با شرایط خاص منطقه کردستان انطباق یابد.

مقدمه

از آنجا که آموزش و پرورش نقش اساسی و سرنوشت ساز در جوامع بشری ایفا می‌کند و برابعد و زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع تأثیر می‌گذارد، می‌تواند عامل رشد و توسعه جامعه محسوب گردد. جوامعی که هدف اساسی خود را توسعه اجتماعی قرار داده‌اند، به امر آموزش و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی توجه خاصی دارند. ضرورت توجه به رابطه میان تربیت نیروی انسانی ماهر و توسعه جوامع (بویژه از نظر اقتصادی و فرهنگی) دیرزمانی نیست که مدنظر برنامه‌ریزان آموزشی قرار گرفته و آنان را به یافتن روشهای مطلوب ارزیابی و برآورد نیازهای نیروی انسانی ماهر برای توسعه جامعه برانگیخته است.

تقریباً همه دولتها تدابیر و اقدامهایی را برای همگانی ساختن آموزش و پرورش تدارک دیده‌اند و این خود حاکی از روند همگانی شدن آموزش و پرورش و گسترش تقاضا برای آموزش است. این تلاشها ناشی از این واقعیت هستند که آموزش و پرورش می‌تواند در بُعد توسعه اجتماعی (فرهنگی - اقتصادی) جوامع نقش مهمی بازی کند و چون مدارس می‌توانند پایگاه محکمی برای انتقال فرهنگ مورد نظر جامعه به نسل آینده خود باشند، پس آموزش و پرورش این توان را دارد که در زمینه ایجاد یا حفظ وحدت ملی نیز سهم بسزایی داشته باشد.

نباید فراموش کرد که امروزه مردم حق برخورداری از آموزش و پرورش را به مفهوم برخورداری از آموزشی می‌دانند که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. همچنین برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش را به این منزله که هرکس در نظام آموزشی، فرصت و امکان توفیق مساوی داشته باشد، تلقی می‌کنند. از این رو، همه راهبردهایی که در زمینه همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می‌رود یک هدف را

دنبال می‌کنند و آن برخورداری برابر همگان از فرصتهای آموزشی باکیفیت مطلوب است. بدین منظور، تلاش می‌شود تا فرصتهای آموزشی یکسانی برای گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم فراهم آید و موانع و محدودیتهایی طبقاتی، منطقه‌ای و جنسی از میان برداشته شود.

در کشور ما نیز، با توجه به نقش فراگیر و گسترده‌ای که آموزش و پرورش به عنوان مهمترین و حساس‌ترین نهاد اجتماعی می‌تواند ایفا نماید، تعمیم و بسط آموزش و پرورش عمومی به اقصی نقاط جامعه از جمله هدفهای نظام آموزشی کشور است. بویژه که این نهاد کارساز می‌تواند با ایجاد تغییرات رفتاری مطلوب، ارزشهای اسلامی را در بین نسل جوان گسترش، تعمیم و تحکیم بخشد. از این رو، اهمیت زیرپوشش قراردادن تمامی لازم‌التعلیمان و فراهم نمودن فرصتهای آموزشی برابر برای همگان (اعم از دختر، پسر، شهری یا روستایی) مطلبی مبرهن است. خاصه در جامعه ما که رسالت اصلی نظام آموزشی دمیدن روح فرهنگی غنی اسلام به کالبد نسل جوان است و توجه به ایجاد فرصتهای آموزشی برابر، اهمیت و ارزش والایی دارد.

الف) شرح موضوع مورد بررسی

فراهم کردن شانس مساوی برای دستیابی همه لازم‌التعلیمان جامعه به فرصتهای آموزشی^۱ مطلوب - نظیر شانس ورود به نظام آموزشی، دسترسی به منابع و درون‌داده‌های نظام آموزشی، همانند معلم متخصص، فضا و تجهیزات آموزشی - و نیز برخورداری از عملکرد مطلوب آموزشی همچون نرخ گذر^۲، قبولی یا ارتقا^۳ و... از جهات عدیده بویژه از دیدگاه سیاسی و همچنین روح فرهنگ غنی اسلام حایز اهمیت است.

امروزه وجود نابرابریهای آموزشی مقبول آزادگان، بویژه مسلمانان که بر اساس مبانی عقیدتی خود از برادری و برابری معنوی و عقیدتی برخوردارند، نیست. بدیهی است که لازمه رسیدن به این هدف کاهش نابرابریهای آموزشی و ایجاد فرصتهای آموزشی برابر برای همه لازم‌التعلیمان اعم از دختر و پسر یا شهری و روستایی، توزیع عادلانه فرصتها و امکانات آموزشی بین آنان است.

با توجه به این امر، از سه دیدگاه می‌توان مسأله نابرابریهای آموزش را مطالعه کرد:

(۱) از نظر شانس ورود به نظام آموزشی؛
 (۲) از نظر برخورداری از منابعی که به عنوان درون داد در اختیار نظام آموزشی قرار می گیرد؛
 (۳) از نظر عملکرد یا بازده نظام آموزشی.

به عبارت دیگر، هنگامی که از مسأله نابرابریهای آموزش بحث می شود، در حقیقت این سؤال مطرح است که چه کسانی و به چه میزانی از آموزش برخوردارند؟ البته، فرض بر آن است که همه لازم‌التعلیمان به طور مساوی از فرصتهای آموزشی مناسب برخوردار نیستند. در واقع، سؤال آن است که کدام گروه مشمول نابرابریهای آموزشی می شود؟ در هر حال، برای سنجش میزان نابرابریهای آموزشی و ارائه تصویری واقعی از آن به داده‌هایی طبقه‌بندی شده، نظیر گروه‌های سنی به تفکیک جنس و منطقه و...، نیاز است تا بر اساس آنها بتوان درصد و نسبتهای مورد نظر را محاسبه کرد. در اینجا، منظور از شانس ورود به نظام همانا نرخ ورود^۴ یا نسبت ثبت نام کنندگان به کل جمعیت لازم‌التعلیم است، و منظور از درون‌دادهای نظام آموزشی همانا هزینه سرانه^۵، تراکم دانش‌آموزی^۶، ضریب بهره‌بری از فضاهای آموزشی، و مراد از برون‌داده‌ها، همان نرخ ارتقا و افت تحصیلی هستند.

از طرف دیگر، روند رشد روزافزون جمعیت استان کردستان باعث شده است که بسیاری از مناطق آن خواستار امکانات آموزشی بیشتری گردند. بدیهی است که تعمیم و گسترش آموزش و پرورش در نقاط محروم و فاقد امکانات - حتی اگر از جنبه کیفی نیز از رشد مطلوبی برخوردار نباشد. زمینه حرکت و تکاپوی فرهنگی را - ولو به صورت کند و تدریجی - فراهم خواهد کرد و، در نهایت، در ارتقای سطح فرهنگ، بینش و تفکر افراد اثرات مثبتی از خود برجای خواهد گذارد؛ مشروط بر آنکه مسئولان آموزشی مناطق محرومی نظیر کردستان به طور مستمر از وضعیت موجود و نیز چگونگی توزیع فرصتهای آموزشی در میان لازم‌التعلیمان دختر و پسر نواحی شهری و روستایی مناطق تابعه خود مطلع شوند و با اتخاذ تصمیمات منطقی و برنامه‌ریزیهای اصولی در جهت رفع یا کاهش نابرابریهای آموزشی گام بردارند. هدف نهایی برنامه‌ریزی، کاربرد صحیح منابع و کمک به مدیران در تصمیم‌گیری است. بدیهی است که دستیابی به روشهای اجرایی در قالب روشهای برنامه‌ریزی هنگامی ممکن خواهد بود که بتوان عدم کارایی^۱ برنامه‌های کنونی را نشان داد.

ب) سؤالات اساسی موضوع مورد بررسی

در این مقاله به بررسی نابرابری‌های آموزشی میان مناطق ۱۴ گانه استان کردستان می‌پردازیم و موضوع را در خصوص دوره‌های مختلف تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی و آموزش عالی) به تفکیک جنسیت و مناطق شهری یا روستایی بررسی می‌کنیم. اهم سؤالاتی که در صدد پاسخگویی به آنها هستیم، عبارتند از:

۱- آیا نرخ سواد میان جمعیت ۶ سال به بالای دختر و پسر مناطق شهری و روستایی استان، در سال مورد مطالعه، یکسان توزیع گردیده است؟

۲- آیا همه لازم‌التعلیمان دختر و پسر مناطق شهری و روستایی کردستان، در سال مورد مطالعه، به‌طور مساوی تحت پوشش دوره‌های مختلف تحصیلی بوده‌اند؟

۳- آیا، در سال مورد مطالعه، میان میزان دستیابی لازم‌التعلیمان دختر و پسر نواحی شهری و روستایی مناطق مختلف کردستان به فضاهای آموزشی در دوره‌های مختلف تحصیلی تفاوتی مشاهده می‌شود؟

۴- آیا، در سال مورد مطالعه، میان میزان دستیابی لازم‌التعلیمان دختر و پسر نواحی شهری و روستایی مناطق مختلف کردستان به معلمان متخصص در دوره‌های مختلف تحصیلی تفاوتی مشاهده می‌شود؟

۵- آیا دانش‌آموزان دوره متوسطه عمومی مناطق مختلف کردستان، در سال مورد مطالعه، به صورت متعادل بین رشته‌های مختلف تحصیلی توزیع گردیده‌اند؟

۶- آیا لازم‌التعلیمان دوره‌های مختلف تحصیلی در سال مورد مطالعه دارای بازده آموزشی یکسانی بوده‌اند؟

۷- آیا دانشجویان مراکز عالی کردستان، در سال مورد مطالعه، به فرصتهای آموزشی موجود (استاد - فضای آموزشی و...) به‌طور مساوی دسترسی داشته‌اند؟

۸- آیا توزیع رشته‌ای دانشجویان مراکز آموزش عالی کردستان، در سال مورد مطالعه، متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه کردستان صورت گرفته است؟

در نهایت، وضعیت هر یک از مناطق را از لحاظ دستیابی به فرصتهای آموزشی در دوره‌های مختلف تحصیلی، در سال مورد مطالعه به صورت جدولهایی به نمایش خواهیم گذاشت. [در پاره‌ای از موارد، مناطقی نظیر زیویه (سقز)، کرانی (بیجار)، موچش (قروه) و سروآباد (مریوان) به علت عدم تفکیک آمارها و نیز روستا محسوب شدن آنان

از نظر سازمان برنامه و بودجه [اکنون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور] همراه با شهرستان مربوط به داخل پراتنز، یک منطقه محسوب شده و در جدولهای مربوطه به صورت یک منطقه ترسیم شده است. این امر در مورد ناحیه ۱ و ۲ سنندج نیز اعمال شده است.]

ج) متغیرهای موضوع مورد بررسی و تعریف عملیاتی آنها

- ۱- پوشش تحصیلی^۹: بیانگر درصد کودکان لازم‌التعلیمی است که تحت پوشش نظام آموزشی رسمی قرار دارند.
- ۲- جمعیت لازم‌التعلیم^{۱۰}: شامل افرادی است که براساس ضوابط سنّی موجود بتوانند در یکی از دوره‌های تحصیلی متعلق به وزارت آموزش و پرورش، به تحصیل اشتغال ورزند.
- ۳- شاخصهای آموزشی^{۱۱}: علایم و معیارهایی قراردادی هستند که فرآیند آموزشی را مشخص می‌سازند و به تشخیص وضعیت موجود نظام آموزشی کمک می‌کنند؛ مانند نرخ ثبت نام، نرخ ارتقا، نرخ گذر، نرخ افت، نسبت دانش آموز به معلم و نسبت دانش آموز به کلاس.
- ۴- فضاهاى آموزشى^{۱۲}: به کلیه ساختمانها و محیطهای سرپوشیده‌ای گفته می‌شود که در آنها بتوان کلاس آموزش دایر کرد. (بجز آموزش عشایر)
- ۵- مناطق مرفه آموزشی^{۱۳}: مناطقی هستند که از فرصتهای آموزشی بیشتری برای جمعیت لازم‌التعلیم خود برخوردارند.
- ۶- مناطق محروم آموزشی^{۱۴}: مناطقی هستند که فرصتهای آموزشی کمتری برای جمعیت لازم‌التعلیم خود دارند.
- ۷- بازده آموزشی^{۱۵}: منظور همان عملکرد دوره‌های مختلف تحصیلی نظیر نرخ ارتقا، نرخ گذر، افت تحصیلی و ... در پایان سال تحصیلی هستند.

د) روش تحقیق (متدلوژی) ۱۶ موضوع مورد بررسی

۱- نوع مطالعه:

مطالعه حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ زیرا نظام آموزش هر یک از مناطق

آموزشی کردستان، از طریق توصیف وضعیت موجود میزان دستیابی لازم‌التعلیمان (به تفکیک جنس و منطقه) به فرصت‌های آموزشی موجود برپایه شاخص‌های آموزشی مورد نظر مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- جامعه آماری تحقیق و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری موضوع مورد بررسی عبارت از کلیه لازم‌التعلیمان دختر و پسر مناطق شهری و روستایی ۱۴ گانه استان کردستان است. از آنجا که بافت مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است و همه لازم‌التعلیمان مناطق مختلف آموزشی کردستان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نیازی به نمونه‌گیری نیست.

۳- اطلاعات مورد نیاز موضوع مورد بررسی:

- اطلاعات جمعیت شناختی به تفکیک گروه سنی - مناطق شهری و روستایی و دختر و پسر؛

- اطلاعات سوادآموزی، شامل نرخ سواد هر یک از گروه‌های سنی مناطق استان به تفکیک جنس و شهری و روستایی؛

- اطلاعات دانش آموزی به تفکیک دوره تحصیلی، جنس و منطقه (شهری و روستایی)؛

- اطلاعات مربوط به فضاهای آموزشی؛ نظیر ساختمان، آموزشگاه، کلاسهای فیزیکی و دایر، به تفکیک دوره و منطقه جهت برآورد ضریب بهره‌وری از فضاهای آموزشی و تراکم کلاسی؛

- اطلاعات مربوط به کارکنان آموزشی، شامل اطلاعات مربوط به معلمان، مشاوران، مربیان و دیگر کارکنان آموزشی به تفکیک جنس، دوره تحصیلی و منطقه؛

- اطلاعات مربوط به بازده آموزشی، نظیر نرخهای ارتقا، افت و گذر به تفکیک جنس و منطقه؛

- اطلاعات مربوط به مراکز آموزش عالی کردستان به تفکیک دانشجو، استاد، رشته و فضاهای آموزشی.

۴- روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و تعدیلات صورت گرفته در آنها:

برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از منابع زیر استفاده شده است:

- آمارنامه سال ۱۳۷۷ استان کردستان، از انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان کردستان؛

- آمارنامه آموزش و پرورش استان کردستان در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶؛

- آمارنامه سال ۱۳۷۷ نهضت سوادآموزی کردستان.

باتوجه به این که میان اطلاعات آماری سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن و آمارهای انتشار یافته از سوی آموزش و پرورش ناهماهنگیهایی وجود دارد [اطلاعات و آمارهای مربوط به نتایج سرشماریهای عمومی، غالباً برحسب تقسیمات کشوری تهیه و طبقه‌بندی می‌شوند اما آمارهای منتشره از سوی آموزش و پرورش اساساً برحسب مناطق آموزشی جمع‌آوری می‌گردند. از طرف دیگر، سازمان برنامه و بودجه و آموزش و پرورش بر سر تعریف مناطق شهری و روستایی باهم توافق ندارند، یعنی مناطقی که از نظر آموزش و پرورش شهری محسوب می‌شوند گاهی از نظر سازمان برنامه و بودجه جزو مناطق روستایی محسوب می‌گردند - مانند منطقه زیویه درسقز یا کرانی در بیجار]، ضروری تشخیص داده شد که داده‌ها طوری تعدیل گردند تا باهم همخوانی داشته باشند. از این رو، به منظور ارائه تصویر واقعی و جامع از وضعیت موجود نظام آموزشی کردستان، تعدیلات زیر در مورد داده‌های خام و اطلاعات گردآوری شده صورت گرفته‌اند:

- جمعیت غیر ساکن از تمام آمارهای جمعیتی موجود در این گزارش، حذف شده است؛
- آمار تفکیکی شهرستانها طبق تعریف سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ارائه شده است؛

- تعریف شهر و روستا در این گزارش منطبق با تعاریف موجود در آمارهای آموزش و پرورش است. از همین رو، در توزیع آمارهای شهری و روستایی موجود در سرشماریها، تعدیلاتی صورت گرفته است. بدین معنی که ابتدا نقاط مشترک مناطق شهری آموزش و پرورش و نقاط شهری هر شهرستان تعیین شده و سپس اطلاعات مربوط به نقاط مشترک، از آمار مناطق شهری هر شهرستان کسر گردیده و به طور مستقل مورد تحلیل قرار گرفته است.

ه - شیوه‌های بررسی و تحلیل اطلاعات طبقه‌بندی شده:

برای طبقه‌بندی مناطق برحسب میزان دستیابی به فرصتهای آموزشی، روشهای متعددی وجود دارند. ما، در این بررسی، از روشهای زیر استفاده کرده‌ایم:

۱- شاخص انتخاب منطقه^{۱۷}

درصد دانش‌آموزان گروه سنی خاص منطقه مورد نظر از کل دانش‌آموزان همان گروه سنی استان =
 درصد جمعیت گروه سنی خاص منطقه مورد نظر از کل جمعیت همان گروه سنی استان

در صورتی که مقدار شاخص انتخاب برای منطقه‌ای برابر یک باشد، بدین معنی است که منطقه مورد نظر از فرصت‌های آموزشی متناسب با جمعیت گروه سنی خود برخوردار است. اگر این شاخص بیش از یک باشد، آن منطقه از فرصت‌های آموزشی بیشتری جمعیت گروه سنی خود برخوردار است؛ و اگر کمتر از یک باشد، حاکی از آن است که منطقه مزبور فرصت‌های آموزشی کمتری در قیاس با جمعیت گروه سنی خود دارد. هر چند شاخص انتخاب برای طبقه‌بندی مناطق مناسب است، اما برای پاسخ به پاره‌ای از سؤالات این بررسی کافی نیست. بنابراین، برای قضاوت درباره میزان نابرابری‌های آموزشی در دوره‌های مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر به شاخص‌های دیگری نیاز داریم؛ از آن جمله‌اند شاخص‌های ضریب ژینی^{۱۸} (جینی)، منحنی لورنز^{۱۹} و جدول دو بُعدی (دو حالتی).

۲- ضریب ژینی (جینی):

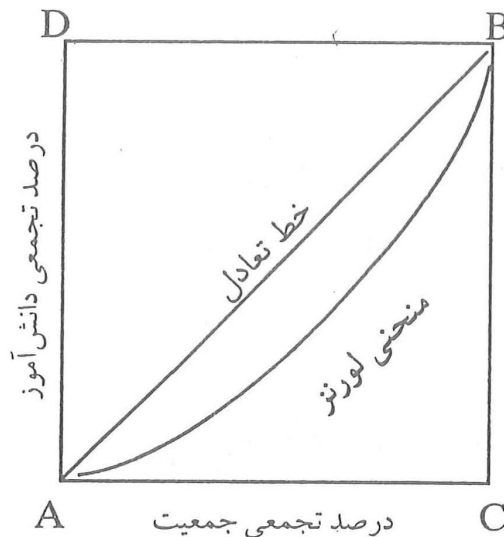
این ضریب که برای تعیین میزان نابرابری‌های آموزشی بین مناطق به کار می‌رود، بر اساس فرمول ذیل محاسبه می‌شود:

$$G = E_i^n [P_i q_i - 1] - 1 - (p_i - 1 q_i)$$

برای محاسبه ضریب ژینی در یک دوره تحصیلی، ابتدا باید مناطق را با توجه به شاخص انتخاب آنها در آن دوره تحصیلی از کم به زیاد مرتب کرد و سپس نسبت تجمعی جمعیت (q_i) و نسبت تجمعی تعداد دانش‌آموزان (P_i) را محاسبه نمود. با داشتن این دو مجموعه اعداد می‌توان منحنی لورنز را ترسیم کرد. مقدار ضریب ژینی معمولاً بین اعداد صفر و یک (۰ و ۱) خواهد بود؛ هر چه مقدار این ضریب به صفر نزدیک‌تر باشد، نابرابری‌ها بین مناطق کمتر، و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نابرابری‌ها میان مناطق بیشتر است. اگر ضریب برابر صفر باشد، گویای عدم وجود نابرابری آموزشی میان مناطق است.

۳- منحنی لورنز

در نمودار زیر که بیانگر منحنی لورنز است، اگر مقادیر نسبت تجمعی جمعیت (q_i) را بر روی محور افقی و مقادیر نسبت تجمعی دانش آموز (q_i) را بر روی محور عمودی نشان دهیم، می توان منحنی لورنز را با استفاده از این دو نسبت رسم کرد. نسبت مساحت هاشورزده به مساحت مثلث (ABC) همان ضریب ژینی است. هرچه این منحنی به خط تعادل $(AB)^2$ نزدیک تر باشد، نابرابری توزیع فرصتهای آموزشی بین مناطق کمتر، و هرچه فاصله آن بیشتر باشد، نابرابری بیشتر است. چنانچه ضریب ژینی برابر صفر گردد، این منحنی بر خط تعادل منطبق می گردد و حکایت از عدم نابرابری بین مناطق دارد.



۴- جدول دوبعدی (چهارحالتی):

این جدول برای بررسی روند تغییرات نابرابری بین مناطق محروم و مرفه در دو حالت دختران و پسران به کار می رود. در این نمودار، برای دختران و پسران مناطقی که شاخص انتخاب آنها کمتر از یک است، عنوان «مناطق محروم»، و برای مناطقی که شاخص انتخاب آنها بیشتر از یک است، عنوان «مناطق مرفه»، و برای مناطقی که شاخص انتخابشان مساوی صفر است، عنوان «مناطق متعادل» را قرار داده ایم. بر اساس این که نقطه معرف هر منطقه در کدام یک از ۴ مربع نمودار واقع شود، وضعیت هر منطقه از نظر محرومیت یا رفاه آموزشی برای دختران و پسران تعیین می گردد. بر این اساس، مناطق به چهار گروه به شرح ذیل تقسیم می شوند:

شاخص انتخاب پسر

دختر مرفه پسر مرفه	۱	۲	دختر محروم پسر محروم
دختر مرفه پسر محروم	۴	۳	دختر محروم پسر محروم

شاخص انتخاب دختر

- مناطقی که در خانه شماره ۱ قرار گیرند شاخص انتخاب دختر و پسرشان بیش از یک است و از نظر دختر و پسر در رفاه آموزشی هستند؛

- مناطقی که در خانه شماره ۲ قرار می‌گیرند شاخص انتخاب آنان برای پسران بیش از یک و برای دختران کمتر از یک است. یعنی این مناطق از نظر دستیابی به فرصتهای آموزشی در بخش پسران از رفاه آموزشی برخوردارند و در بخش دختران به محرومیت آموزشی دچار هستند.

- مناطقی که در خانه شماره ۳ قرار می‌گیرند شاخص انتخاب دختر و پسر آنان کمتر از یک است. این مقدار و حاکی از آن است که این مناطق از نظر هر دو گروه جنسی لازم‌التعلیم خود در محرومیت آموزشی به سر می‌برند.

شاخص انتخاب مناطقی که در خانه شماره ۴ قرار می‌گیرند، در بخش دختران بیش از یک (مرفه) و در بخش پسران کمتر از یک (محروم) هستند.

(و) محدودیتهای بررسی

در بررسی حاضر، موارد زیر محدودیتهای اصلی تحقیق هستند:

(۱) وسعت موضوع مورد بررسی از نظر:

- تنوع دوره‌های تحصیلی مورد مطالعه (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی و آموزش عالی)؛

- تنوع جامعه آماری مورد مطالعه (دختران و پسران کلیه مناطق شهری و روستایی

استان)؛

- وسعت محدوده جغرافیای مورد مطالعه (کلیه مناطق آموزشی استان)؛

(۲) صحت آمارهای جمع آوری شده و طبقه بندی آنها؛

(۳) عدم همخوانی آمار و اطلاعات مندرج در منابع آماری سازمان برنامه و بودجه [اکنون، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور] با آمارنامه آموزش و پرورش، و تفاوت

تعییر این دو مؤسسه از نظر تعریف مناطق شهری و روستایی؛

(۴) پراکندگی آمار و اطلاعات و نیز خام بودن آنان، بویژه اطلاعات مربوط به شهرستانهای سنندج، قروه، کامیاران، دهگلان و... که به تفکیک دوره تحصیلی و یا گروه سنی

نبوده اند و گاهی مجبور به برآوردهای تقریبی آنها شده ایم؛

(۵) چون ساخت سنی جمعیتی مناطق احتمالاً بایکدیگر تفاوت دارند، ممکن است درصد جمعیت سنی دانش آموزی هر منطقه با منطقه دیگر تا حدودی متفاوت داشته باشد. با این تعریف، برای شاخص انتخاب در این بررسی، هر سنی همه مناطق یکسان فرض شده است.

(۶) اگر کارایی داخلی نظام آموزشی در منطقه ای کم باشد و تکرار کنندگان پایه ها و دانش آموزان خارج از سن متعارف دوره تحصیلی مورد نظر درصد قابل توجهی از دانش آموزان را تشکیل دهند، شاخص انتخاب بیشتری از شاخص انتخاب واقعی برای آن منطقه به دست خواهد آمد.

(۷) در بررسی نابرابری دسترسی به فرصتهای آموزش عالی بین مناطق، چون بیش از ۵۰ درصد مراکز آموزش عالی کردستان در سنندج قرار دارند و در پاره ای از مناطق اصلاً مرکز آموزش عالی وجود ندارد، عملاً مقایسه مناطق از لحاظ نابرابری و میزان دستیابی امکان پذیر نبوده و این بخش از مطالعه به صورت استانی مورد بررسی قرار گرفته است.

(۸) و بالاخره باید توجه داشت که، در این بررسی، تنها نابرابری فرصتهای آموزشی بین مناطق مورد مطالعه قرار گرفته و نابرابری در داخل هر منطقه منظور نگردیده است.

ز) تحلیل نتایج بررسی

اول) تحلیل کمی و کیفی وضعیت آموزش و پرورش کردستان

۱) سواد (ترکیب جنسی، سنی، شهری و روستایی):

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ نسبت باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر به ۶۸/۲۶ درصد رسیده است که در مقایسه با سال ۱۳۷۰ (۵۹/۲ درصد)، افزایش نزدیک به ۹/۰۶ درصد را نشان می‌دهد. در همان حال، در سال ۱۳۷۵، نزدیک به ۳۶۳ هزار نفر از جمعیت ۶ ساله و بالاتر استان بی سواد بوده‌اند. رتبه استان در کشور در پایین‌ترین سطح وضعیت (رتبه ۲۳)، و نسبت باسوادی این استان از میانگین متوسط کشوری (۸۰ درصد) حدود ۱۲ درصد کمتر است.^(۱)

از طرف دیگر، نسبت باسوادی در سال ۱۳۷۵ بین مناطق شهری و روستایی استان تفاوتی ۱۸/۲۷ درصدی داشته است: نسبت باسوادی در مناطق شهری ۷۶/۷۹ درصد و در مناطق روستایی ۵۸/۵۲ درصد بوده‌اند. طی پنج سال گذشته (۱۳۷۵-۱۳۷۰)، رشد باسوادان در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بوده است به طوری که نسبت باسوادی در مناطق روستایی در دوره (۷۵-۷۰) از ۵۰ درصد به ۵۸/۵ درصد رسیده، ولی در همین دوره، نسبت باسوادان در مناطق شهری از ۶۹ درصد به ۷۶/۸ درصد افزایش یافته است.^(۲)

مقایسه وضعیت نسبت باسوادی در میان جمعیت زنان و مردان کردستان نشان می‌دهد که زنان از وضع مطلوب سواد برخوردار نیستند. در سال ۱۳۷۵، نسبت باسوادی زنان برابر با ۵۷/۴۰ درصد و نسبت باسوادی مردان ۷۸/۷۸ درصد بوده^(۳) که این نسبت در بین زنان روستایی بدتر از زنان شهری است. به عبارت دیگر، محروم‌ترین طبقه، از نظر سواد، نخست زنان روستایی با (۴۶ درصد)، بعد زنان شهری (۶۷/۸۰ درصد)، و سپس مردان روستایی با (۷۱/۷۰ درصد) و مردان شهری (۸۵/۲۱ درصد) هستند.^(۴) نسبت زیاد بی سوادان در کردستان بیشتر ناشی از عامل فرهنگی است که مادر جای خود به آن خواهیم پرداخت. از طرف دیگر، نسبت زیاد بیسوادان در مناطق روستایی (۴۱/۵ درصد) در مقابل (۲۳ درصد) مناطق شهری جهت‌گیریهای برنامه‌ریزی توسعه آتی آموزش و پرورش استان را در این مناطق مشخص می‌کند.

از آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت که، بهبود تدریجی روند نرخ سواد برای جمعیت ۶

سال به بالای استان (بویژه برای سوادآموزان روستایی و دختر)، هنوز کردستان از ۱۱۴۶۵۹ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر خود ۳۶۰ هزار نفر بی سواد دارد. همچنین، در همین دوره زمانی (۷۵-۱۳۷۰) در بیشتر شاخصهای نرخ سواد، بیچار (۳۲ درصد زنان و ۶۲ درصد مردان باسواد) در بهترین وضعیت و مریوان (۱۰ درصد زنان و ۴۵ درصد مردان باسواد) در بدترین وضعیت باسواد قرار داشته‌اند. مناطق سنندج و قروه بترتیب مقامهای دوم و سوم باسواد را دارا بوده‌اند.^(۵) به این ترتیب، می‌توان دریافت که، در سال مورد مطالعه (۱۳۷۵)، جمعیت ۶ سال به بالای دختر و پسر مناطق شهری و روستایی کردستان به‌طور مساوی از فرصت سوادآموزی برخوردار نبوده‌اند، چنانکه درصد بی‌سوادی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری و در میان زنان بیشتر از مردان بوده است.

۲) ساخت و هرم آموزشی:

تعداد کل دانش‌آموزان استان کردستان در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ حدود ۳۸۴ هزار نفر بوده که حدود ۲۱۲ هزار نفر از آنها (یعنی ۵۵/۳ درصد) در آموزش ابتدایی، حدود ۱۰۱ هزار نفر (۲۶/۳ درصد) در آموزش راهنمایی، و ۷۱ هزار نفر (۱۸/۴ درصد) در آموزش متوسطه عمومی به تحصیل اشتغال داشته‌اند.^(۶)

چنانکه ملاحظه می‌شود، سهم آموزشهای متوسطه عمومی و فنی و حرفه‌ای با سایر سطوح متناسب نیست، زیرا پوشش آموزشهای ابتدایی و راهنمایی تحصیلی به حد مطلوب خود نرسیده و گسترش آموزش متوسطه با محدودیت بیشتری مواجه است. اگرچه در این مدت، در مقایسه با سال ۱۳۷۰، از سهم آموزش ابتدایی کاسته شده و بر سهم آموزشهای راهنمایی و متوسطه اضافه شده و بیشترین سهم افزایش از آن آموزش متوسطه (از ۶/۸ درصد به ۱۶ درصد) بوده و آموزش راهنمایی نیز از ۲۰/۴ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافته است، ولی سهم آموزش فنی و حرفه‌ای افزایش چندانی نداشته (از ۰/۹ درصد به ۱/۳ درصد) و سهم دانشسراهای تربیت معلم به بیش از نصف (از ۰/۷ درصد به ۰/۳ درصد) کاهش یافته است.^(۷)

به رغم این تحولات، در کل هنوز سهم آموزش متوسطه، بویژه متوسطه فنی و حرفه‌ای، بسیار ناچیز است و با سایر سطوح همخوانی ندارد. شاید بتوان گفت که از جمله

موانع رشد و توسعه آموزش عالی در کردستان رشد ناموزون آموزش متوسطه عمومی و رشد کند متوسطه فنی و حرفه‌ای آن است. از این رو، باید سهم آموزش متوسطه عمومی، بویژه فنی حرفه‌ای، در هرم آموزشی کردستان افزایش یابد تا گسترش آموزش عالی نیز سهل‌تر انجام پذیرد و، از این رهگذر، توسعه منابع انسانی فراهم گردد و ذخیره نیروی انسانی افزایش یابد.

بررسی ساخت آموزشی استان برحسب مناطق شهری و روستایی نمایانگر تحول سهم این مناطق است به طوری که، در بخش آموزشهای ابتدایی و متوسطه، سهم مناطق روستایی کاسته یافته ولی بر سهم آموزش راهنمایی مناطق روستایی افزوده شده است. [این تحولات برای آموزشهای ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی طی سالهای (۷۵-۱۳۷۰) برای مناطق روستایی کردستان بترتیب عبارت از (۴/۸۸ درصد به ۵/۵۰ درصد) (۱/۱۱ درصد به ۳/۲۸ درصد) و (۵/۰ درصد به ۳/۰ درصد) بوده است]. از طرف دیگر، به رغم آن که مردم کردستان دارای گویشی غیر از زبان فارسی هستند، آموزش قبل از دبستان آنها گسترش چندانی نداشته و سهم آن ناچیز بوده است، به طوری که تا سال ۱۳۷۵ در هیچ یک از مناطق روستایی، آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای، آموزش کودکان استثنایی و مراکز کودکان دکتانی دایر نبوده است.

بررسی ساخت آموزش استان، برحسب جنس، نمایانگر تحول تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ بوده است و، در این مدت، تعداد دانش‌آموزان دختر حدود ۴ برابر شده و از میزانی بیش از رشد تعداد دانش‌آموز پسر برخوردار بوده است، چنانکه سهم دانش‌آموزان دختر از ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۳/۳۸ درصد در سال ۱۳۷۰ و به ۵/۴۳ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است.^(۸)

افزایش سهم دانش‌آموز دختر عمدتاً در آموزشهای قبل از دبستان و ابتدایی است؛ چنانکه در سال ۱۳۷۷، نسبت دانش‌آموز دختر به کل دانش‌آموزان دوره ابتدایی ۵/۴۴ درصد و نسبت به کل دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دوره متوسطه، هر دو ۳۸ درصد بوده است.^(۹) این نسبت (سهم دختر از کل دانش‌آموزان یک دوره) در دوره ابتدایی در مناطق شهری ۵۳ درصد و در مناطق روستایی ۴۷ درصد بوده است. همچنین، در دوره راهنمایی، این نسبت برای دختران شهری ۵/۳۴ درصد و برای دختران روستایی ۷/۱۹ درصد بوده است. در دوره متوسطه، نسبتهای مزبور در مورد دختران شهری ۷/۳۸

درصد و برای دختران متوسطه روستا ۱۶ درصد بوده‌اند. (۱۰)

۳) پوشش تحصیلی:

پوشش تحصیلی جمعیت لازم‌التعلیم استان کردستان در گروه‌های سنی متناظر در آموزش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی، به تفکیک جنس (دختر و پسر) و منطقه (شهری - روستایی) به شرح جدول شماره ۲ است.

جدول شماره ۲: درصد پوشش تحصیلی لازم‌التعلیمان کردستان در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵

منطقه		مناطق شهری		مناطق روستایی		کل استان	
جمعیت گروه سنی	جنس	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
تعداد جمعیت ۶-۱۰ ساله		۵۱۲۸۹	۵۳۱۹۰	۵۲۷۶۲	۵۶۲۶۱	۱۰۴۰۵۱	۱۰۹۴۵۱
تعداد دانش‌آموزان ابتدایی		۵۰۳۷۱	۵۶۲۶۳	۴۳۱۱۰	۶۴۴۶۸	۹۴۳۲۴	۱۱۷۵۱۶
درصد پوشش ظاهری		۹۸/۲	۱۰۵	۸۲	۱۱۵	۹۰	۱۰۷
تعداد جمعیت ۱۱-۱۳ ساله		۳۲۸۹۳	۳۵۵۱۰	۲۷۸۰۴	۲۴۱۸۰	۶۰۷۰۰	۵۹۶۹۰
تعداد دانش‌آموزان راهنمایی		۲۸۴۵۶	۳۹۲۶۳	۲۸۰۶	۱۹۷۸۴	۳۱۲۶۲	۵۹۰۴۷
درصد پوشش ظاهری		۸۶	۱۱۰	۱۰	۸۱	۵۱	۹۹
تعداد جمعیت ۱۳-۱۷ ساله		۳۴۴۷۰	۳۸۹۷۶	۳۲۵۱۴	۲۹۰۳۹	۶۶۹۸۴	۶۸۰۱۵
تعداد دانش‌آموزان متوسطه		۱۷۲۵۵	۲۹۷۱۰	۲۰۷	۹۷۲	۱۷۴۶۲	۳۰۶۸۲
درصد پوشش ظاهری		۵۰	۷۶	۰/۶	۳/۳	۲۶	۴۵

* - چنانچه درباره‌ی ازموارد (مانند دوره ابتدایی) نسبت پوشش به بالاتراز ۱۰۰ برسد، علت آن می‌تواند یکی از عوامل زیر باشد: ۱- وجود افت تحصیلی ناشی از تکرار پایه در آن دوره تحصیلی؛ ۲- مهاجرت دانش‌آموزان مناطق روستایی به مناطق شهری؛ ۳- خارج از گروه سنی بودن پاره‌ای از دانش‌آموزان بنابه علت افت و یا تأخیر در ورود به نظام آموزشی.

منبع: آمارنامه سال ۱۳۷۶ استان کردستان و آمارنامه آموزش و پرورش کردستان در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵.

۳-۱) پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی:

نسبت اشتغال به تحصیل ظاهری گروه سنی (۶-۱۰ ساله) دوره آموزش ابتدایی

به تفکیک زن و مرد در مناطق شهری بترتیب ۹۸/۲ درصد و ۱۰۵ درصد، و در مناطق روستایی بترتیب ۸۲ درصد و ۱۱۵ درصد هستند. در کل، روند مزبور بیشتر به نفع پسران است تا دختران. این بدان معنی است که هنوز حدود ۲ درصد از دختران ۶-۱۰ ساله شهری و ۱۸ درصد از دختران روستایی از نعمت آموزش محروم‌اند و به مدرسه راه نیافته‌اند. روی هم رفته، دختران حدود ۱۷ درصد کمتر از پسران به دوره ابتدایی دسترسی پیدا کرده‌اند.

۳-۲ پوشش تحصیلی در دوره راهنمایی:

نسبت اشتغال به تحصیل ظاهری گروه سنی (۱۱-۱۴ ساله) در آموزش راهنمایی مناطق شهری کردستان در دو گروه دختران و پسران بترتیب ۸۶ درصد و ۱۱۰ درصد بوده‌اند. این نسبت در مناطق روستایی بترتیب ۱۰ درصد و ۸۱ درصد است. ارقام یادشده حاکی از محرومیت ۱۴ درصد دختران گروه سنی (۱۱-۱۳ ساله) مناطق شهری و ۹۰ درصد دختران روستایی و همچنین ۱۹ درصد پسران روستایی از نعمت آموزش راهنمایی هستند. وجود نابرابری پوشش تحصیلی بین دختران و پسران از یک سو و شهری و روستایی از سوی دیگر از جمله شاخصهای آموزشی کردستان است. این بدان معنی است که دختران ۱۱-۱۴ ساله کردستان حدود ۴۸ درصد کمتر از پسران همسال خود به آموزش راهنمایی دسترسی دارند. لازم به توضیح است که، در مناطق روستایی، دانش‌آموزان دختر دوزخ راهنمایی بیشتر ترک تحصیل و پسران به شهر مراجعه می‌کنند؛ به همین خاطر، ارقام غیر واقعی جلوه می‌کنند.

پوشش تحصیلی دوره متوسطه

ارقام جدول حاکی از وجود ۴۵ درصد پوشش تحصیلی ظاهری برای پسران و ۲۶ درصد برای دختران دوره متوسطه هستند. به عبارت دیگر، در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، حدود ۵۵ درصد از پسران و ۷۴ درصد از دختران گروه سنی ۱۴-۱۷ ساله استان کردستان تحت پوشش آموزش متوسطه نبوده‌اند. همچنین، با توجه به این که دوره متوسطه در مناطق روستایی حضور چندانی ندارد و دانش‌آموزان برای تحصیل به شهر مهاجرت می‌کنند، مقایسه مناطق شهری و روستایی در دوره متوسطه و راهنمایی (بویژه

دوره متوسطه) عملاً ناممکن است.

از آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت که در کلیه دوره‌های تحصیلی، بویژه در دوره راهنمایی و متوسطه، پسران بیش از دختران هم سن خود تحت پوشش نظام آموزشی بوده‌اند. همچنین در همه دوره‌های تحصیلی، لازم‌التعلیمان مناطق شهری بیش از لازم‌التعلیمان مناطق روستایی به فرصتهای آموزشی دسترسی دارند. چنانچه نسبت پوششها از نظر پوشش تحصیلی واقعی (خالص) نیز مقایسه شوند، میزان این نابرابریها بیشتر خواهد بود.

۴) ترکیب رشته‌های تحصیلی آموزش متوسطه:

سهم دانش‌آموزان دوره متوسطه از کل دانش‌آموزان در سال ۱۳۷۰، حدود ۷/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ به ۱۸/۴ درصد رسیده است.

سهم فوق‌العاده ناچیز دانش‌آموزان روستایی در آموزش متوسطه، در وهله نخست، حاکی از عدم گسترش آموزشهای میانی و، در مرحله بعد، ناشی از عدم گسترش آموزشهای متوسطه در مناطق روستایی بوده است.

توزیع رشته‌ای دوره متوسطه استان کردستان نشان دهنده آن است که حدود ۷۱ درصد از دانش‌آموزان در متوسطه نظری و ۲۹ درصد در فنی و حرفه‌ای و کارودانش مشغول به تحصیل هستند. همچنین، از میان دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری، حدود ۴۰/۷ درصد دانش‌آموزان در رشته ادبیات و علوم انسانی، ۳۵/۸ درصد در رشته علوم تجربی، و ۲۳/۵ درصد در رشته ریاضی فیزیک مشغول به تحصیل بوده‌اند.^{۱۱} به عبارت دیگر، وجه غالب در توسعه رشته‌های تحصیلی آموزش متوسطه، رشته علوم انسانی بوده است. این امر می‌تواند ناشی از عدم برخوردار بودن علمی و دانش فارغ‌التحصیلان آموزش راهنمایی از یک سو و عدم تأمین معلمان آموزش دیده در سایر رشته‌ها از سوی دیگر باشد. در رشته‌های تحصیلی آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای، بیشترین نسبت دانش‌آموزان در آموزش صنعت تحصیل می‌کرده‌اند. در کل، سهم آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای از سایر رشته‌های متوسطه عمومی کمتر است.

گرچه روند موجود برگسترش رشته‌های علوم تجربی و ریاضی - فیزیک تأکید می‌ورزد، با این حال، سهم آموزشهای متوسطه فنی و حرفه‌ای و رشته‌های تحصیلی آن

روند تابعی ندارد. پایین بودن سهم این آموزشها موجب پوشش تحصیلی پایین‌تر آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای در مقابل آموزش متوسطه عمومی شده است.

جهت گیری آینده باید بر توسعه و گسترش آموزش متوسطه تأکید ورزد و باروند افزایش دانش‌آموزان رشته‌های تحصیلی ریاضی و تجربی متناسب باشد تا بتواند به نیازهای نیروی انسانی جامعه پاسخ گوید.

از لحاظ توزیع منطقه‌ای رشته‌ها می‌توان دریافت که، در منطقه آموزشی سروآباد، بالغ بر ۶۵ درصد از دانش‌آموزان در رشته علوم انسانی و ۳۵ درصد بقیه در علوم تجربی و سایر رشته‌ها تحصیل می‌کنند.

توزیع دانش‌آموزان بین رشته‌های تحصیلی متوسطه، در مناطق آموزشی سنندج، سقز، قزو و بیجار، نسبتاً متناسب است ولی در بقیه مناطق وضعیت توزیع رشته‌ای نامناسب و نامتعادل می‌نماید. به طور کلی، رشته‌های تحصیلی آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای در بین مناطق گسترش چندانی نداشته و مناطق آموزشی دهگلان، دیواندره، کامیاران، سروآباد و کرانی فاقد آموزشهای فنی و حرفه‌ای بوده‌اند. رشته آموزش کشاورزی نیز صرفاً در منطقه سنندج دایر بوده است.

(۵) بازده آموزشی

منظور از بازده آموزشی، نسبت افرادی است که توانسته‌اند در مدت زمان معمولی دوره تحصیلی رابه اتمام برسانند. برای محاسبه بازدهی از نرخ ارتقا استفاده می‌شود که خود گویای آن است که از کل دانش‌آموزان آن دوره، چند نفر در خرداد ماه قبول می‌شوند و به دوره بالاتر ارتقا می‌یابند. برای این منظور، بازده آموزشی یا نرخ ارتقا برای هر یک از دوره‌های تحصیلی سال ۱۳۷۶-۷۷ بر اساس جدول ذیل محاسبه می‌گردد.

(۵-۱) بازده آموزشی دوره ابتدایی:

در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، از کل ۲۱۴۱۴۰ نفر دانش‌آموز، حدود ۲۱۱۹۹۶ نفر در امتحانات پایانی شرکت کرده و حدود ۱۷۸۵۹۰ نفر قبول شده‌اند. یعنی ۲۱۴۴ نفر (۱/۰ درصد) ترک تحصیل کرده و ۳۳۴۰۶ نفر (حدود ۱۵/۷ درصد) مردود شده و در کل ۱۶/۷ درصد افت تحصیلی داشته‌اند و حدود ۸۳/۳ درصد ارتقا یافته‌اند.

جدول شماره ۳: نتایج کل امتحانات درکل دوره‌های آموزش

درسال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶

قبول شدگان خردادماه			شرکت کنند در امتحان خرداد			دانش آموزان آذرماه			وضعیت
جمع	دختر	پسر	جمع	دختر	پسر	جمع	دختر	پسر	
۱۷۸۵۹۰	۸۰۷۲۴	۹۷۸۶۶	۲۱۱۹۹۶	۹۲۳۸۹	۱۱۹۶۰۷	۲۱۴۱۴۰	۹۳۴۹۳	۱۲۰۶۴۷	ابتدایی
۴۰۱۴۶	۱۷۹۸۲	۲۲۱۶۴	۹۲۶۷۷	۳۴۸۱۷	۵۷۸۶۰	۹۴۵۸۶	۳۵۳۴۶	۵۹۲۴۰	راهنمایی
									متوسطه*

*- با توجه به اینکه درنظام جدید دوره متوسطه، نرخ ارتقا و بازده براساس دروس محاسبه می‌شود، نه براساس

پایه یاسال، محاسبه بازده در دوره متوسطه مقدور نیست.

منبع: آمارنامه ۱۳۷۶ استان کردستان.

محاسبه بازده آموزشی برحسب دختر و پسر حاکی از آن است که، در دوره ابتدایی، حدود ۸ درصد از پسران و ۱ درصد از دختران ترک تحصیل داشته‌اند، و نرخ ارتقای پسران دوره ابتدایی استان، در سال مورد نظر (۱۳۷۵-۷۶)، حدود ۸۲ درصد و نرخ ارتقای دختران در همان سال ۸۶/۴ درصد بوده است. به عبارت دیگر، در سال مورد مطالعه، حدود ۱۸ درصد از پسران و ۱۳/۶ درصد از دختران دوره ابتدایی کردستان دچار افت تحصیلی بوده‌اند. گرچه، در این مقطع، روند تحصیلی به نفع دختران بوده ولی، در کل، پوشش تحصیلی آنان نسبت به پسران کمتر است.

۵-۲) بازده آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی:

جدول فوق حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۵-۷۶، از کل ۹۴۵۸۶ دانش آموز دوره راهنمایی، حدود ۲ درصد ترک تحصیل کرده‌اند. و ۴۳ درصد به دوره بالاتر ارتقا یافته‌اند. به عبارت دیگر، افت تحصیلی دوره راهنمایی کردستان در سال مورد نظر حدود ۵۶/۶ درصد بوده است. همین ارقام، به تفکیک جنسیت، حاکی از آنند که نرخ ترک تحصیلی پسران ۲ درصد ولی دختران ۳ درصد، و نرخ ارتقای پسران ۳۸ درصد ولی دختران ۵۲ درصد بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۶۲/۶ درصد از پسران و ۵۱

درصد از دختران دوره راهنمایی کردستان دچار افت تحصیلی بوده‌اند. بالا بودن نرخ افت تحصیلی در این دوره تحصیلی نیازمند دقت بیشتری است. توزیع منطقه‌ای افت تحصیلی در سطوح مختلف آموزشی استان حاکی از آن است که:

- در دوره ابتدایی، شهرستانهای بانه، قروه و سقز، در مقایسه با میانگین استانی، کمترین درصد افت تحصیلی و شهرستانهای بیجار، کامیاران و دیواندره بیشترین میزان افت تحصیلی را در دوره ابتدایی خود دارند.

- در دوره راهنمایی تحصیلی نیز افت تحصیلی در میان مناطق آموزشی، بین ۶۰ درصد تا ۳۵ درصد در تغییر بوده، چنانکه کمترین میزان افت تحصیلی در منطقه آموزشی بیجار و بیشترین آن در منطقه آموزشی دیواندره مشاهده شده است. مناطق آموزشی دیواندره، بانه، کامیاران و مریوان، با داشتن افت تحصیلی نزدیک به ۶۰ درصد، بالاتر از میانگین استانی قرار دارند و سایر مناطق آموزشی دارای افت تحصیلی کمتر از میانگین استانی هستند.

- توزیع میزان افت تحصیلی دوره متوسطه در بین مناطق آموزشی استان بین ۴۰ درصد تا ۶۰ درصد متغیر بوده است. بیشترین و کمترین نسبت افت تحصیلی بترتیب مربوط به دیواندره و بیجار هستند. در مناطق آموزشی بانه، بیجار و دهگلان، نسبت افت تحصیلی کمتر از میانگین استانی (۵۰ درصد)، و در مناطق آموزشی سنندج، مریوان، قروه، کامیاران و دیواندره این نسبت بیش از میانگین استانی بوده است.

۶- تحلیل آمایشی عوامل آموزشی:

۶-۱) تحلیل فضاهای آموزشی:

از آنجا که یکی از شاخصهای آموزشی، میزان برخورداری از فضاهای آموزشی مناسب است، از طریق جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات، وضعیت موجود ضریب بهره‌وری از فضاهای آموزشی استان را در جدول ذیل ترسیم نموده‌ایم:

جدول شماره ۴: وضعیت موجود فضاهای آموزشی کردستان و ضریب بهره‌وری از آنان در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷

ضریب بهره‌وری از کلاس فیزیکی	تراکم کلاسی	تعداد دانش‌آموز	تعداد کلاس دایر	تعداد کلاس فیزیکی	ضریب بهره‌وری از فضا	تعداد ساختمان	تعداد آموزشگاه	شاخص
								دوره و منطقه
۱/۳۷*	۳۰/۷	۱۰۳۰۷۵	۳۳۵۹	۶۳۱۵*	۱/۱۲*	۱۹۱۲*	۳۵۳	ابتدایی شهری
	۲۰	۱۰۶۰۲۱	۵۳۱۱					ابتدایی روستایی
۱/۶۴*	۳۳/۲	۷۰۶۱۵	۲۱۲۴	۲۰۶۴*	۱/۷*	۲۴۴*	۲۵۶	راهنمایی شهری
	۲۴	۳۰۲۶۵	۱۲۶۵					راهنمایی روستایی
۱/۸*	۳۱/۲	۶۷۸۰۶	۲۱۷۰	۱۲۶۴*	۱/۷۷*	۱۳۷*	۲۲۳	متوسطه شهری
	۲۸/۴	۲۹۰۴	۱۰۲					متوسطه روستایی

*- به علت عدم دسترسی به آمار تفکیکی شهر و روستا، درباره‌ای از شاخصها، جمع آنها در نظر گرفته شده است.

منبع: خلاصه‌ای از آمار کارشناسی برنامه‌ریزی اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان - بهمن ماه ۱۳۷۷.

۱-۱-۶) تحلیل فضاهای آموزشی دوره ابتدایی کردستان:

همچنانکه در جدول بالا آمده، در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ در مقابل ۲۱۴۷ واحد آموزشی دوره ابتدایی شهر و روستا صرفاً ۱۹۱۲ واحد ساختمان در اختیار آموزش ابتدایی قرار داشته و، در نتیجه، ضریب بهره‌وری از ساختمانهای آموزشی ۱/۱۲ بوده است. به عبارت دیگر، در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، حدود ۱۱ درصد از ساختمانهای آموزشی دوره ابتدایی بیش از یک نوبت مورد استفاده قرار گرفته است. از طرف دیگر، در مقابل ۸۶۷۰ کلاس دایر در دوره ابتدایی، تنها ۶۳۱۵ کلاس فیزیکی وجود داشته‌اند. به سخن دیگر، در سال مورد نظر، از ۳۷ درصد کلاسها بیش از یک نوبت استفاده شده است. البته، چون آمار به تفکیک شهر و روستا نبوده، ضریب بهره‌وری ظاهراً مناسب است؛ حال آنکه از کلیه مدارس ابتدایی مناطق شهری کردستان حداقل دو نوبت استفاده می‌شود. این امر را می‌توان از اختلاف تراکم کلاسی مناطق شهری (۳۱/۲ نفر) با مناطق

روستایی (۲۰/۲ نفر) دریافت.

از لحاظ تراکم کلاسی در همین سال، سنندج ۷ سقز و قروه با ۲۷ نفر از بیشترین تراکم کلاسی و زیوه با ۱۷/۷ نفر از کمترین تراکم کلاسی برخوردار بوده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که، در سال مورد مطالعه، مناطق مختلف آموزشی استان به طور مساوی از فضاهای آموزشی در دوره ابتدایی خود بهره‌مند نبوده‌اند.

۲-۱-۶) تحلیل فضاهای آموزشی دوره راهنمایی کردستان:

جدول وضعیت فضاهای آموزشی حاکی از آن است که در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸، در مقابل ۵۷۸ واحد آموزشی راهنمایی استان، حدود ۳۴۴ ساختمان فیزیکی وجود داشته‌اند. به عبارت دیگر، در سال مورد نظر، از بیش از ۷۰ درصد ساختمانهای آموزشی دوره راهنمایی کردستان به صورت دونوبتی استفاده شده است و ضریب بهره‌وری از کلاسهای فیزیکی نیز حدود ۱/۶ درصد است. به عبارت دیگر، بیش از ۶۰ درصد کلاسهای فیزیکی دوره راهنمایی استان به صورت دونوبتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، ضریب بهره‌وری از فضاهای آموزشی دوره راهنمایی، به تفکیک شهری و روستایی، خود حکایت از وخامت مدارس راهنمایی در مناطق شهری دارد؛ چراکه تراکم کلاسی دوره راهنمایی مناطق شهری ۳۴ نفر ولی در مناطق روستایی ۲۴/۳ نفر بوده است.

در مورد مناطق می‌توان دریافت^{۱۲} که در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ از لحاظ تراکم کلاسی، مناطق روستایی زیوه و موچش از تراکم کمتر و سنندج، قروه، سقز و کامیاران از تراکم بیشتری نسبت به میانگین استانی (۳۰ نفر) برخوردار بوده‌اند. از آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت که مناطق آموزشی استان در این بخش از آموزش نیز به طور متعادل از فضاهای فیزیکی بهره‌مند نبوده‌اند.

۳-۱-۶) تحلیل فضاهای آموزشی دوره متوسطه کردستان:

جدول وضعیت فضاهای آموزشی حاکی از آن است که عدم تعادل در بهره‌وری از فضاهای آموزشی در دوره متوسطه بیشتر از سایر دوره‌ها است، زیرا در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ برابر ۲۴۳ واحد آموزشی، تنها ۱۳۷ ساختمان فیزیکی وجود داشته‌اند. به

عبارت دیگر، از نزدیک به ۸۰ درصد ساختمانهای دوره متوسطه به صورت دونوبتی استفاده می شده است. از دیگر سو، ضریب بهره‌وری از کلاسهای فیزیکی نیز ۱/۸ است، یعنی از ۸۰ درصد کلاسهای فیزیکی دوره متوسطه دو نوبت استفاده می شود. به علت عدم گسترش دوره متوسطه در مناطق روستایی (۲۲۳ آموزشگاه شهری در مقابل ۲۰ آموزشگاه روستایی) تفاوت چندانی از لحاظ تراکم کلاسی بین آنان مشاهده نمی شود. در مورد وضعیت مناطق نیز می توان دریافت که^{۱۳}:

از لحاظ تراکم کلاسی، کرانی با ۲۶/۷ نفر از کمترین نرخ تراکم و کامیاران با ۳۳/۵ نفر از بیشترین نرخ تراکم برخوردار بوده‌اند. از لحاظ ضریب بهره‌وری از کلاسهای فیزیکی دوره متوسطه نیز مناطق موچش، مریوان، دیواندره، زیوه و سروآباد از نرخ کمتر و سایر مناطق از نرخ بیشتری نسبت به میانگین استانی (۱/۸) برخوردار بوده‌اند. از نظر ضریب بهره‌وری از ساختمانهای فیزیکی نیز مناطق مریوان، دیواندره، زیوه و کرانی در این سال نرخ ضریب کمتری نسبت به میانگین استانی (۱/۷۷) داشته‌اند، و سایر مناطق از نرخ بیشتری برخوردار بوده‌اند. باتوجه به آنچه آمد، می توان دریافت که در این بخش از آموزش نیز مناطق استان، بویژه مناطق شهری و روستایی، به طور متعادل از فضاهای فیزیکی برخوردار نبوده‌اند.

۲-۶) تحلیل نیروی انسانی:

از آنجاکه یکی از موارد توزیع فرصتهای آموزشی، نحوه توزیع معلم متخصص میان مناطق مختلف آموزشی به نسبت تعداد دانش آموزان به تفکیک دوره، جنس و منطقه شهری و روستایی است، به منظور بررسی میزان دستیابی دانش آموزان دختر و پسر دوره‌های مختلف آموزشی در سال مورد مطالعه (۷۸-۱۳۷۷)، به جمع‌آوری اطلاعات درباره شاخص آموزشی تراکم دانش آموزی (نسبت دانش آموز به معلم) به تفکیک دختر و پسر و شهری و روستایی، و نیز درصد معلمان از کل به تفکیک مدرک تحصیلی برای هر یک از مناطق پرداخته و ماحصل رابه صورت جداول ذیل ارائه داده‌ایم.

نگاهی تحلیلی به جدول ۵ و ۶ حاکی از وجود نابرابری در دستیابی لازم‌التعلیمان دختر و پسر مناطق مختلف استان به نیروی انسانی از یک سو و توزیع نابرابر نیروی انسانی بر حسب جنس و مدرک بین مناطق مختلف آموزشی از سوی دیگر است.

جدول شماره ۵: مقایسه شاخصهای نیروی انسانی کل دوره های آموزشی مناطق کردستان در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸

دردمعلمان بیستاس و بالاتر متوسط از کل	دردمعلمان فوق دبیرم و بالاتر راهنمایی از کل	دردمعلمان دیپلمه و بالاتر ابتدایی از کل	دردمعلمان زن از کل	تراکم دانش آموزی		تعداد معلمان	تعداد زنان	تعداد دانش آموزان		شاخص منطقه
				پسر	دختر			پسر	دختر	
۷۱	۸۵	۹۴	۲۸	۲۱	۳۷	۷۴۲	۲۸۷	۱۵۵۹۱	۱۰۶۰۴	بانه
۸۰	۹۱/۵	۹۵	۳۷/۸	۲۴/۷	۳۱/۳	۶۲۶	۳۸۰	۱۵۴۹۱	۱۱۸۸۱	بیجار
۷۲	۹۱/۶	۹۶	۲۳/۶	۲۳/۹	۴۹/۸	۴۴۴	۱۳۷	۱۰۱۵۲	۶۸۱۹	دهگلان
۸۲	۸۱	۹۸/۶	۲۷	۲۳	۳۸/۷	۵۶۶	۲۰۹	۱۲۵۹۸	۸۰۸۱	دیواندره
۷۵	۹۳	۹۷	۲۸	۲۱/۳	۳۲/۸	۲۰۰	۷۸	۴۲۶۹	۲۵۵۶	زیویه
۸۱	۸۹	۹۶	۱۱/۵	۲۳/۸	۱۸۱	۲۹۴	۵۱	۹۳۵۸	۶۰۳۹	سرآباد
۷۶	۸۳	۹۵	۳۸/۷	۲۷/۷	۳۱/۶	۹۵۴	۶۰۲	۲۶۴۶۱	۱۹۰۴۹	سقز
۶۶	۸۹	۹۶	۶۱	۵۰/۱	۲۳/۷	۶۸۰	۱۰۵۲	۳۴۱۲۵	۲۴۹۳۲	سندج ناحیه ۱
۷۶	۷۹	۹۵/۶	۶۵	۴۵/۱	۲۱/۴	۶۵۱	۱۲۲۸	۲۹۳۰۵	۲۶۲۵۴	سندج ناحیه ۲
۷۶	۸۹	۸۹	۳۲/۸	۲۵/۹	۴۰/۷	۱۰۲۴	۵۰۰	۲۶۵۱۸	۲۰۳۸۵	قروه
۸۴	۹۴	۹۸	۳۷	۳۰/۱	۳۵/۸	۴۲۰	۲۴۹	۱۲۶۴۷	۸۹۱۱	کامیاران
۸۶	۷۳/۷	۹۸	۳۵/۸	۲۵/۲	۳۲/۴	۱۲۰	۶۷	۳۰۲۳	۲۱۷۰	کرانی
۷۴	۸۷	۹۳	۲۴	۲۱/۲	۴۸/۸	۹۷۰	۳۰۶	۲۰۵۵۰	۱۴۹۲۴	مریوان
۷۸/۶	۷۲/۵	۹۵/۷	۲۹	۲۹/۳	۳۸/۶	۱۶۹	۷۰	۴۹۵۱	۲۷۰۲	مرچش
۷۵/۴	۸۷	۹۱	۲۹/۵	۲۸/۴	۳۱/۸	۷۹۶۰	۵۲۰	۲۲۵۸۰۰	۱۶۵۸۰۰	کل استان

منبع: خلاصه ای از آمارنامه آموزش و پرورش کردستان در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸

جدول ۶: آمار آموزشگاه، کلاس، دانش آموز، کارکنان به تفکیک دوره، منطقه شهری - روستایی و نوع آموزش استان کردستان
درسال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸

تعداد کل دانش آموز روستایی	تعداد کارکنان روستایی		تعداد کارکنان رسمی و پیمانی		تعداد کل دانش آموز	تعداد دانش آموز دختر	تعداد کلاس	تعداد آموزشگاه	شاخص
	زن	مرد	زن	مرد					
-	۱	-	۲۰۱	۱	۳۲۵۴	۱۶۴۰	۱۵۳	۷۴	نوع آموزش آمادگی
۱۰۶۰۲۱	۱۱۷۱	۳۴۸۳	۴۰۴۳	۵۵۹۲	۲۰۹۰۹۶	۹۴۵۰۷	۸۶۷۰	۲۱۴۷	ابتدایی
۳۰۲۶۵	۱۹۸	۱۲۸۰	۱۶۵۹	۳۳۱۱	۱۰۰۸۸۰	۳۸۹۸۶	۳۳۸۹	۵۷۸	راهنمایی
۲۹۰۴	۱۹	۱۵۶	۱۰۷۸	۲۴۶۵	۷۰۷۱۰	۲۸۰۰۶	۲۲۷۲	۲۴۳	متوسطه
-	-	-	۲۱	۸۷	۹۱۱	۱۵۰	۲۸	۲	تربیت معلم
-	-	-	-	-	۳۴۲	۳۴۲	-	۱	کار دانی پیوسته
-	-	-	-	-	۶۴۰۷	۲۱۶۹	۲۵۱	۳۸	آموزش بزرگسالان
-	۱	۷۴	۲۰۶	۱۳۸۷	-	-	-	-	ادارات
-	۱۵	۲۹	۱۰۹۰	۱۱۲۲	-	-	-	-	مأموران
۱۳۹۱۹۰	۱۴۰۵	۵۰۲۲	۸۲۹۸	۱۳۹۶۵	۳۹۱۶۰۰	۱۶۵۸۰۰	۱۴۷۶۳	۳۰۸۳	جمع کل

منبع: خلاصه‌ای از آمار نامه آموزش و پرورش کردستان درسال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸.

به عبارت دیگر، دانش آموزان دختر و پسر مناطق مختلف به طور مساوی به معلم و نیروی انسانی دسترسی نداشته‌اند، به گونه‌ای که تراکم دانش آموزی دختران در سال تحصیلی (۱۳۷۷-۷۸) ۳۱/۸ نفر و در همان حال تراکم دانش آموزی پسران استان حدود ۲۸/۴ نفر بوده است که بازهم سطح آن، نسبت به میانگین کشوری، بالا است. کمترین نرخ تراکم دختران بترتیب متعلق به مناطق ۱ و ۲ سنندج است و بیشترین نرخ تراکم به منطقه سروآباد، مریوان و دهگلان، تعلق دارد. از طرف دیگر، کمترین نرخ تراکم پسران مربوط به مناطق زیویه و بانه و بیشترین نرخ تراکم مربوط به ناحیه ۱ و ۲ سنندج هستند. از نظر توزیع معلمان بر حسب جنس، از هر ۱۰۰ نفر معلم در کل استان حدود ۶۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن بوده‌اند، در حالی که از هر ۱۰۰ نفر دانش آموز استانی در همان سال ۴۲/۴ نفر دختر بوده‌اند. این امر حاکی از آن است که معلمان، بر حسب جنسیت، به صورت برابر و متناسب با جنس دانش آموزان استخدام و به کار گرفته نشده‌اند. بیشترین درصد سهم زن در کل معلمان متعلق به سنندج (با ۶۵ درصد) و کمترین سهم از آن منطقه سروآباد (با ۱۱/۵ درصد) است.

شاخص نسبت کادر آموزشی بر حسب مدرک تحصیلی بیانگر روند روبه بهبود افزایش کادر آموزشی بامدرک فوق‌دیپلم و بالاتر و نیز کاهش کادر آموزشی بامدرک دیپلم و زیر آن است. در سال ۱۳۷۰، حدود ۶۵ درصد از کادر آموزشی استان دیپلم و زیر آن بوده که این رقم در سال ۱۳۷۷ به ۴۵ درصد رسید. با این حال، هنوز ۹ درصد از کادر آموزش ابتدایی استان زیر دیپلم، نزدیک به ۱۳ درصد از کادر دوره راهنمایی دارای مدرک زیر فوق‌دیپلم، و حدود ۲۵ درصد از کادر دوره متوسطه دارای مدرک زیر لیسانس بوده‌اند. از مجموع ۲۰۰۵۱ نفر کارکنان آموزش و پرورش استان در سال ۱۳۷۷، حدود ۶۱ درصد را کادر آموزشی تشکیل می‌دهند. در کل، نسبت رشد کادر آموزشی، در مقایسه با کادر اداری و پشتیبانی، نرخ کمتری داشته است. این افزایش بیش از حد کادر اداری و پشتیبانی محدودیتی برگسترش کمی کادر آموزشی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اگر از نیروی انسانی به عنوان معلم بیشتر استفاده شود، افزایش نسبت پوشش تحصیلی و کاهش تراکم دانش آموزی رادری خواهد داشت. به علاوه، با افزایش بیش از حد کادر اداری، منابع مالی به جای هزینه‌های مستقیم آموزشی، صرف مسایل جانبی و غیر آموزشی (اداری) می‌شود.

در سال ۱۳۷۷، حدود ۸۰ درصد کادر آموزشی استان به صورت رسمی و ۲۰ درصد بقیه به صورت غیررسمی کار می‌کرده‌اند، در صورتی که اکثریت کارکنان اداری رسمی بوده‌اند. طی روند گذشته، تعداد کادر آموزشی غیررسمی روبه افزایش نهاده و قاعدتاً بهبود کیفی آموزشی را در معرض خطر قرار داده است. عدم برنامه‌ریزی نیروی انسانی متناسب با رشد دانش‌آموز در منطقه سبب شده است که از نیروهای غیررسمی استفاده بیشتری شود. به این ترتیب، این وضع نه تنها موجب افزایش و گسترش کمی آموزش و پرورش گردیده، بلکه کیفیتها نیز کاهش یافته و اتلاف منابع بیشتر شده است.

اگر شاخص استاندارد نسبت دانش‌آموز به معلم (به ازای هر معلم حدود ۲۵ دانش‌آموز) ملاک قرار گیرد، استان کردستان در حال حاضر حدوداً با کمبود ۲۰۸۰ نفر معلم زن و ۱۵۰۰ نفر معلم مرد - یعنی حدود ۳۵۰۰ نفر معلم - مواجه است. این مقایسه صرفاً از نظر کمی در مورد تمامی دوره‌های آموزشی صورت گرفته است، ولی اگر مقایسه از نظر دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی مورد نیاز هر دوره تحصیلی صورت گیرد، میزان کمبود به مراتب محسوس‌تر خواهد بود. چون عامل نیروی انسانی در آموزش و پرورش محور حرکت و توسعه آموزشی به‌شمار می‌آید، می‌توان گفت که یکی از مهمترین و اصلی‌ترین تنگناهای استان، تأمین و تربیت کادر آموزشی متناسب با نیازهای آن است.

توزیع معلمان درآموزشهای مختلف به گونه‌ای است که ۴۳ درصد درآموزش ابتدایی ۲۲/۳ درصد درآموزش راهنمایی تحصیلی ۱۶ درصد درآموزشهای متوسطه عمومی و فنی و حرفه‌ای، حدود ۴ درصد در مراکز تربیت معلم و ۱/۸ درصد درآموزش کودکان استثنایی و پیش دبستانی به تدریس اشتغال دارند.^{۱۴}

از مقایسه نسبت معلمان درآموزشهای مختلف و مدارک تحصیلی آنان می‌توان نتیجه گرفت که مشکلی حاد درآموزش متوسطه عمومی و فنی و حرفه‌ای وجود دارد. علاوه بر آن، توزیع نامتعادل معلمان در بین نواحی آموزشی بر مشکلات این آموزشها درپاره‌ای از مناطق افزوده است.

دوم) تحلیل کمی و کیفی وضعیت آموزش عالی در کردستان

نیروی انسانی آموزش دیده در سطوح عالی و متخصص از عوامل مهم تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی در هر کشور محسوب می‌شود و ذخیره سرمایه‌انسانی در هر منطقه،

نقش عمده‌ای در رشد و توسعه آن ایفا می‌کند. یکی از اهداف مهم آموزش عالی، تربیت و تأمین نیروهای متخصص و مورد نیاز بخشهای اقتصادی و فرهنگی جامعه است و توسعه مراکز آموزش عالی در هر منطقه عمدتاً برای رفع نیازهای نیروی انسانی آن منطقه صورت می‌گیرد.

کردستان، از نظر ساختار اشتغال جمعیت، بیشتر در زمینه بخشهای کشاورزی و خدمات عمومی در حال گسترش است و نسبت اشتغال فعالیت‌های تولیدی و صنعتی کمتر از یک چهارم شاغلان را تشکیل می‌دهد. نسبت کارکنان علمی، فنی و تخصصی که دارای نقش راهبردی در فرآیند توسعه هستند، در سال ۱۳۷۵ در حدود ۷ درصد بوده است^{۱۵} که آن هم، به علت تمرکز بسیار محدود در امور تولیدی، نمی‌تواند نتایج و پیامدهای توسعه‌ای چندانی عاید منطقه سازد.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت استان حدود ۱۳۷۴۰۰۰ نفر بوده است که از این تعداد حدود ۵۰۰۰ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند^{۱۶}. به عبارت دیگر، شاخص نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به ازای هر صد هزار نفر حدود ۵۰۰ نفر بوده است. در مجموع، گسترش مراکز آموزش عالی در کردستان به کندی صورت گرفته است. مراکز آموزش عالی دولتی نیز در این استان، طی ده سال گذشته، گسترش چندانی نداشته و صرفاً با تأسیس دانشگاه آزاد سنندج، تعداد آنان روبه گسترش نهاده است. هرچند که این گسترش، از نظر رشته‌ای، به دور از نیازها و تقاضاهای نیروی انسانی متخصص بخشهای مختلف اقتصادی و اتماعی منطقه بوده و بیشتر در راستای رشته‌های علوم انسانی گسترش یافته است.

در سال ۱۳۷۸، در استان کردستان ۱۲ مرکز آموزش عالی دایر بوده و فعالیت آموزشی داشته‌اند. از این تعداد، ۶ واحد در شهر سنندج، دو واحد در هریک از شهرهای سقز و بیجار یک واحد در هریک از شهرهای مریوان و قروه مستقر بوده‌اند. واحدهای مستقر در شهر سنندج عبارتند از دانشگاه کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دانشگاه آزاد، پیام نور مرکز سنندج، آموزشکده فنی سنندج و دو مرکز تربیت معلم پسرانه و دخترانه. در سقز نیز مرکز پیام نور و واحد دانشگاه آزاد دایر هستند. [دانشگاه آزاد واحد سقز در پاییز ۱۳۷۸ رسماً افتتاح شد، ولی هنوز پذیرش دانشجو ندارد و وابسته به دانشگاه آزاد واحد سنندج است]. در بیجار یک مرکز تربیت معلم و مرکز پیام نور،

در قروه یک مرکز تربیت معلم، و در مریوان نیز مرکز پیام نور بایک رشته (علوم تربیتی) دایرند.

مراکز عالی در کردستان دارای سابقه ۲۵ ساله هستند: دانشسرای عالی سنندج در بهمن ماه ۱۳۵۳، با پذیرش ۲۱۰ دانشجو در رشته ریاضی، شروع به فعالیت کرد، و همزمان با آن انستیتوی تکنولوژی سنندج با ۱۵۰ نفر دانشجو در سه رشته برق، ساختمان و مکانیک، کار خود را آغاز نمود و تا سال ۱۳۵۹، که انقلاب فرهنگی صورت گرفت، به فعالیت خود ادامه داد.

در سال ۱۳۶۱، در استان کردستان فقط دانشکده تربیت دبیر سنندج و آموزشگاه عالی بهداشت مدارس با ۶۳۳ نفر دانشجو فعال بودند. ولی در سال ۱۳۶۳، سه مرکز تربیت معلم با ۵۷۰ نفر دانشجو و از سال ۱۳۶۴ مجدداً انستیتوی تکنولوژی سنندج با عنوان آموزشکده فنی سنندج و با پذیرش ۱۹۰ دانشجو فعالیت خود را آغاز کردند. در سال ۱۳۶۵، با تأسیس دانشگاه آزاد واحد سنندج، تعداد مراکز عالی استان به ۷ مرکز و تعداد دانشجو به ۱۷۷۳ نفر (تقریباً ۲/۵ برابر سال ۱۳۶۱) افزایش یافتند. در نهایت، از سال ۱۳۷۰ به بعد، با تأسیس مراکز پیام نور در سنندج، سقز، بیجار و مریوان و ایجاد مراکز تربیت معلم در شهرهای بیجار، سقز و قروه، تعداد مراکز آموزش عالی استان به ۱۲ مرکز افزایش یافته‌اند و تعداد دانشجویان نیز نسبت به سال ۱۳۷۰، ۳ برابر شده است.^{۱۷} وضعیت کنونی دانشجویان مراکز آموزش عالی استان کردستان در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ به شرح جدول زیر است:

جدول وضعیت دانشجویان مراکز عالی حاکی از آن است که حدود ۳۰ درصد از دانشجویان استان را دانشجویان دانشگاه آزاد تشکیل می‌دهند. با آن که استان کردستان یکی از استانهای محروم کشور محسوب می‌شود، فعالیت‌های بخش دولتی برای گسترش آموزش عالی در این استان اولویت کمتری یافته است، به طوری که شاخص نسبت تعداد دانشجو به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، ۲۴۳ نفر بوده است. این نسبت در مورد بخش دولتی به ۳۷۰ نفر رسیده، حال آنکه این شاخص در میانگین کشوری، در مورد بخش دولتی، حدود ۶۰۰ نفر است.^{۱۸}

علاوه بر کمیت دانشجویی مراکز آموزش عالی استان که با محدودیت روبرو است، از نظر تنوع در رشته‌های مختلف تحصیلی به عنوان زمینه‌ساز توسعه منطقه نیز به

جدول شماره ۷: وضعیت دانشجویان مراکز آموزش عالی استان کردستان در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶

دانشگاه یا مرکز آموزش عالی	پذیرفته شده		کل دانشجویان		فارع التحصیلان	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
دانشگاه کردستان	۶۴۶	۳۴۵	۹۹۱	۱۰۲۱	۳۲۸۱	۶۷
دانشگاه علوم پزشکی کردستان	۱۹۴	۲۷۰	۴۶۴	۶۵۵	۱۲۳۰	۱۶۲
دانشگاه آزاد سنندج	۸۴۲	۴۵۰	۱۲۹۲	۱۲۶۱	۳۴۹۲	۷۲
آموزشگاه فنی سنندج	۳۹۴	-	۳۹۴	-	۹۰۹	-
پیام نور سنندج	۱۵۹	۶۲	۲۲۱	۲۸۰	۱۰۲۲	۱۵
پیام نور سقز	۲۵۷	۵۷	۳۱۴	۳۲۳	۱۱۰۳	۲۱
پیام نور مریوان	۲۸	۱۹	۴۷	۱۳۵	۲۸۸	-
تربیت معلم	-	-	-	۳۶	۱۴۵	-
جمع کل	۲۵۹۴	۱۲۶۴	۳۸۵۸	۷۶۱	۱۲۳۸۱	۳۳۷

منبع: آمارنامه سال ۱۳۷۷ استان کردستان.

کردستان توجه ناچیزی شده است. در نتیجه، از نظر ذخیره نیروی انسانی، وضعیت نامطلوبی دارد.

ترکیب دانشجویان از نظر سطوح آموزشی به گونه‌ای است که توسعه رشته‌های سطوح کارشناسی و بالاتر با توسعه سطوح کاردانی همگام نبوده است. به عبارت دیگر، بیشترین افزایش دانشجویان ناشی از گسترش و تأسیس مراکز تربیت معلم و کاردانی پیوسته بوده است و می‌توان گفت که، از نظر آموزشی و سطح کیفیت، این گونه مراکز آموزش در حد مراکز دانشگاهی نبوده‌اند و گسترش آنها بدون توجه به امکانات فیزیکی و انسانی انجام شده است. مراکز آموزش عالی کردستان در ۲۵ رشته تحصیلی و در سطوح کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو داشته که بیشترین تعداد دانشجویان آنها در رشته ادبیات فارسی و کمترین آن در رشته بهداشت خانواده، مامایی، تربیت بدنی و مدیریت دولتی به تحصیل مشغول بوده‌اند.

عدم تناسب توزیع دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی و همچنین سطوح کاردانی و کارشناسی حاکی از عدم برنامه‌ریزیهای آموزشی به طور اصولی و منطقی است و کمتر می‌توان ضرورتها و نیازهای منطقه‌ای را در آن مشاهده کرد. علاوه بر آن، نفوذ رشته‌های تحصیلی، تنوع آنها و نیز تعداد متغیر دانشجویان در هر رشته بدون در نظر گرفتن نیازهای توسعه‌ای منطقه انجام شده و، در مقایسه بین استانی نیز از اولویتهای لازم برخوردار نبوده‌اند. تمامی این شواهد بیانگر آنند که برنامه‌ریزیهای آموزشی در سطوح آموزش عالی از ضوابط منطقی و توزیع مناسب پیروی نمی‌کنند.

آموزش عالی در کردستان از لحاظ کادر آموزشی نیز وضعیت مطلوبی ندارد؛ جدول زیر گویای همین امر است.

جدول فوق گویای توزیع نامناسب کادر آموزشی بین مراکز مختلف آموزش عالی در کردستان است. علاوه بر آن، از نظر عناوین دانشگاهی نیز وضع مدرسان مراکز آموزشی از لحاظ کمی و کیفی نامناسب است. چنانکه ملاحظه می‌شود، اکثریت مراکز پیام نور فاقد هرگونه هیأت علمی حتی در سطح مربی بوده‌اند و از کل استادان مراکز آموزش عالی، تنها یک نفر دارای مرتبه دانشیاری بوده است. ۱۵ درصد از آنها مرتبه استادیاری، ۳۱ درصد مرتبه مربی داشته‌اند، و بیش از ۵۰ درصد از کادر آموزشی مراکز آموزش عالی کردستان از نیروهای حق‌التدریسی تأمین شده‌اند.

جدول شماره ۸: توزیع کادر آموزشی و نسبت دانشجوی به استاد در مراکز آموزش عالی کردستان در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶.

نسبت دانشجوی به استاد					تعداد کادر آموزشی					شاخص
نسبت دانشجوی به استاد	تعداد دانشجوی	تعداد استاد	جمع	سایر	حق التدریس	مرتب	اساتید	دانشیار	استاد	
۲۵	۳۲۸۱	۹۴	۹۴	-	۱۵	۷۲	۶	۱	-	مرکز آموزش دانشگاه کردستان
۱۵/۲	۱۲۳۰	۸۱	۸۱	-	-	۳۱	۵۰	-	-	
۲۸/۴	۳۴۹۲	۱۲۳	۱۲۳	-	۹۵	۲۱	۷	-	-	
۲۵/۳	۹۰۹	۳۶	۳۶	۴	۲۹	۳	-	-	-	
۲۸/۴	۱۰۲۲	۳۶	۳۶	-	۲۵	۱	-	-	-	
۲۸/۳	۱۱۰۳	۳۹	۳۹	-	۳۸	۱	-	-	-	
۱۹/۲	۲۸۸	۱۵	۱۵	-	۱۵	-	-	-	-	
۱۸/۱۳	۱۴۵	۸	۸	-	۸	-	-	-	-	
۳۳/۷	۹۱۱	۲۷	۲۷	-	-	۲۷	-	-	-	
۲۹/۵	۱۲۳۸۱	۴۲۰	۴۲۰	۴	۲۳۹	۱۲۹	۶۳	۱	-	
میانگین										جمع کل

منبع: آمارهای دانشگاهی منتشر در آمارنامه سال ۱۳۷۷ استان کردستان.

از طرف دیگر، چون توزیع کادر آموزشی بین مراکز، متناسب با تعداد دانشجویان هر مرکز نبوده است، می‌بینیم که نسبت دانشجو به استاد در مراکز آموزش نامتناسب و از ۳۵ نفر دانشجو به ازای هراستاد در دانشگاه کردستان تا ۱۵/۲ نفر در دانشگاه علوم پزشکی درنوسان است.

امکانات رفاهی، از قبیل خوابگاه و امکانات ورزشی، در مراکز آموزش عالی استان با محدودیت بسیاری روبرو بوده‌اند و بسیاری از آنان استیجاری هستند.

بر اساس آمار و اطلاعات موجود، نرخ بهره‌برداری از ظرفیتهای کالبدی مراکز آموزش عالی استان در حدود ۱۵۸ درصد است^{۱۹}. به عبارت دیگر، ظرفیت کالبدی مراکز آموزشی استان، بدون احتساب دانشجویان دانشگاه آزاد و مراکز پیام نور و تربیت معلم و آموزشکده فنی، برای حدود ۳۵۰۰ نفر است که، در حال حاضر، از این ظرفیتهایش از ۶۰۰۰ نفر دانشجو استفاده می‌کنند. از تعداد حدود ۱۲ مرکز آموزش عالی استان، صرفاً ۴ مرکز از ساختمانها و امکانات فیزیکی تقریباً متناسب برخوردارند که از آنها نیز بیش از ظرفیت استفاده می‌شود. مثلاً دانشگاه آزاد سنندج بیش از ۵ برابر ظرفیت خود دانشجو دارد و ضریب استفاده از فضای آموزشی خود رابه نحو چشمگیری افزایش داده است. در مجموع، بالغ بر ۲۵۷۰۰ متر مربع زیربنای خوابگاهی در مراکز آموزش عالی استان وجود دارند و زیربنای سرانه برای هر دانشجو حدوداً ۷ متر مربع است که جمعاً ۵۹ درصد دانشجویان از این امکانات برخوردارند.^۱ سایر امکانات، از جمله امکانات ورزشی مراکز ۱۲ گانه آموزشی، مشتمل بر ۱۳ زمین ورزشی، استخر و سالن است که بیشترین حجم آن در اختیار دانشگاه کردستان و علوم پزشکی بوده است و سایرین از آن محروم هستند.

۸-۳) جمع‌بندی نتایج مطالعات

محدودیتها و عوامل بازدارنده‌ای که دستیابی به هدفهای آموزش رابه تأخیر می‌اندازد، ریشه در نابسانیهایی عمومی اقتصادی و اجتماعی دارند. بنابراین، به منظور حل مشکلات موجود و ارائه راه‌حلهای عملی برای متعادل ساختن توزیع فرصتهای آموزشی در بین لازم‌التعلیمان استان و ارتقای کمی و کیفی آموزش و راه‌گشایی به سوی هدفهای نهایی آموزش و پرورش، تلاش برای شناخت مشکلات موجود نظام آموزشی

منطقه ضروری است.

در مناطق محرومی نظیر کردستان، که محدودیت منابع محلی، امکانات زیربنایی یا شرایط خاص سیاسی و فرهنگی دارند، جایگاه دولت در ایجاد توسعه و فراهم ساختن امکانات مورد نیاز برای جبران این عقب افتادگی حایز اهمیت ویژه‌ای است. از این رو، نظام اداری و اجرایی دولت در این مناطق باید از انعطاف و انطباق لازم با شرایط محلی برخوردار باشد تا بتواند عقب ماندگیها را جبران کند. مثلاً وضعیت اقلیمی کردستان باعث می‌شود که زمان مفید کارهای ساخت و ساز در طول سال به نیمه اول سال محدود گردد. این ویژگی ایجاب می‌کند که تنظیم موافقتنامه‌ها، مبادله آنها، شروع کار تخصیص اعتبار و مراحل دیگر امور اداری و اجرایی آن باین محدودیت اقلیمی انطباق داشته باشد.

شرایط فرهنگی و دو زبانه بودن کردستان، مضاف بر طولانی بودن فصل سرما، ایجاب می‌کند که نظام آموزشی منطقه، از دیدگاه آموزش زبان رسمی، امکان ایجاد تفهیم و تفاهم میان معلم و نوآموزان روستایی و فصل آموزش و امتحانات، خود را با شرایط منطقه منطبق سازد. بر این اساس، بخش عمده‌ای از نارساییهای نظام اداری و اجرایی به فقدان انطباق این نظام با شرایط متنوع منطقه‌ای ارتباط دارد.

مطالعه منطقه‌ای، که برنامه‌ریزی منطقه‌ای رادری دارد، ایجاب می‌کند که ساختار تشکیلاتی و نظام اجرایی حاکم بر سازمانهای دولتی به عنوان مهم‌ترین ابزار تحقق اهداف برنامه، بارهبرد برنامه هماهنگ باشد. به بیان دیگر، ساختار اجرایی بهینه از بستر تنظیم اهداف برنامه منطقه‌ای می‌گذرد و با آن انطباق می‌یابد. در چنین شرایطی می‌توان پذیرفت که برنامه‌ریزی منطقه‌ای از ابزار اجرایی منطقه‌ای نیز برخوردار شده است.

مهمترین تنگناهای نظام اداری - اجرایی کردستان عبارتند از:

- عدم انطباق با شرایط خاص منطقه و فقدان نظام منطقه‌ای متناسب با نیازهای توسعه‌ای منطقه؛

- تمرکز اقتدار تصمیم‌گیری و اجرا در سطوح مرکزی سازمانهای اداری و امورات مربوط به جذب و هزینه کردن اعتبارات، ضوابط استخدام و پرداخت حقوق و دستمزد، و تنظیم برنامه‌های عمران منطقه‌ای؛

- اندک بودن سهم مقامات محلی و فقدان مشارکت مردم منطقه در تصمیم‌گیریهای مربوط به برنامه و بودجه، اداره امورات محلی، فرهنگی و اجتماعی منطقه؛
 - کمبود تخصص در نیروهای موجود، کمبود نیروی متخصص و پستهای تخصصی موصوب متناسب با نیاز سازمانها؛
 - وجود موانع گزینشی بر راه استخدام رسمی که موجب غیربومی، غیررسمی و آزمایشی بودن نسبت قابل توجهی از کارکنان دولتی در منطقه شده است؛
 - فقدان ثبات در مدیریت و عدم رعایت همیشگی ضابطه تخصص و تجربه در گزینش مدیران؛
 - وجود سازمانهای موازی در امور اجرایی، تداخل وظایف و فقدان نظارت مؤثر بر عملکرد آنان در منطقه؛
 - محرومیت دیرین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه.
- از سوی دیگر، توجه به داده‌های آماری موارد زیر در سال ۷۷-۱۳۷۶، عمق محرومیت فرهنگی و ضرورت تقویت بخش آموزش در کردستان را نشان می‌دهد:
- (۱) نسبت باسوادان استان کردستان ۶۸ درصد است، یعنی حدود ۳۲ درصد از مردم کردستان دربی سوادی به سر می‌برند؛
 - (۲) حدود ۲۵ درصد دبیران دبیرستانی استان زیرلیسانس هستند و شماردارندگان لیسانس در میان معلمان راهنمایی حدود یک درصد است؛
 - (۳) تنها ۲۰ درصد اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی استان دارای مدرک دکتری هستند و ۸۰ درصد آنان را مریبان دانشگاهی تشکیل می‌دهند.
- به طور کلی، اهم مسایل و تنگناهای آموزش و پرورش استان کردستان عبارتند از:
- عدم تعادل در توزیع فرصتها و امکانات آموزشی بین مناطق استان؛
 - زیاد بودن نرخ افت در دوره‌های مختلف تحصیلی و هدر رفتن منابع و امکانات آموزشی؛
 - عدم تناسب ظرفیت دوره‌های تحصیلی و توزیع رشته‌ای دانش‌آموزان با نیازهای منطقه به نیروی انسانی؛
 - کمبود نیروی انسانی متخصص و متناسب با رشته و جنس دانش‌آموزان و نیز کمبود فضاهای آموزشی؛

- تنگناها و مشکلات طبیعی (جغرافیایی)، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی منطقه؛
- مدیریت، اجرا و حلقه مفقوده برنامه‌ریزی.
نتایج تحلیل مطالعه فوق می‌تواند راهگشای ما در تدوین الگوی مناسب برنامه‌ریزی
آموزشی برای منطقه کردستان باشد.

پی‌نوشتها:

- ۴، ۲، ۱ و ۵- سازمان برنامه و بودجه، کردستان؛ آمارنامه استان کردستان؛ سنندج، ۱۳۷۵.
- ۶ و ۷- اداره کل آموزش و پرورش کردستان؛ خلاصه‌ای از آمار- کارشناسی برنامه‌ریزی؛ ۱۳۷۸.
- ۸، ۹ و ۱۰- سازمان برنامه و بودجه کردستان؛ آمارنامه استان کردستان؛ سنندج، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶.
- ۱۱- اداره کل آموزش و پرورش کردستان؛ خلاصه‌ای از آمار- کارشناسی برنامه‌ریزی؛ ۱۳۷۸.
- ۱۲ و ۱۳- سازمان برنامه و بودجه کردستان؛ آمارنامه استان کردستان؛ سنندج، ۱۳۷۷.
- ۱۴- اداره کل آموزش و پرورش کردستان؛ خلاصه‌ای از آمار- کارشناسی برنامه‌ریزی؛ ۱۳۷۸.
- ۱۵ و ۱۶- سازمان برنامه و بودجه کردستان؛ آمارنامه استان کردستان؛ سنندج، ۱۳۷۵.
- ۱۷ و ۱۸- سازمان برنامه و بودجه کردستان؛ مطالعات جامع استان کردستان- گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۷، ج ۲۷، ص ۱۱۴.
- ۱۹- همان منبع؛ ص ۱۲۷.
- ۲۰- همان منبع؛ ص ۱۲۸.

«منابع و مآخذ برای مطالعات بیشتر»:

- ۱- ساخاروپولوس، جرج و مورین وودهاال؛ آموزش برای توسعه؛ ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۰
- ۲- عزیززاده، هادی؛ «بررسی نابرابری دستیابی به فرصتهای آموزشی»؛ فصلنامه تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، شماره مسلسل ۱۵ و ۱۶، تهران ۱۳۶۷، ص ۵۵ الی ۸۵.
- ۳- معیری، محمدطاهر؛ مسایل آموزش و پرورش ایران؛ تهران امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۴- هرسیون، پل؛ درون جهان سوم؛ ترجمه م. ن. تهران، فاطمی، ۱۳۶۴
- ۵- سازمان برنامه و بودجه استان کرمان؛ مطالعات جامع استان کردستان؛ گروه مطالعاتی

هامون، ۱۳۷۳.

- 6- Celledw,F; **Womens Literacy for Development: A brief overview of the situation today**; Paris, UNESCO IIEP, 1989.
- 7- Carton,D and Ta Ngoc Chau; **Reducation of reginal disparities: The role of educational planning**; Paris, UNESCO Press, 1981.
- 8- James N. John Stones; **Indiacations of education systems**; UNESCO.